

بررسی وجوب و استحباب امر به معروف نهی از منکر بر اساس قواعد فقهی از دیدگاه آیت الله اعرافی

پریسا بخشی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق

فاطمه رجایی

استادیار فقه و حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

امر به معروف نهی از منکر یکی از فروعات ضروری دین است که ضامن بقای دین اسلام است. این پژوهش تلاشی در جهت گردآوری قواعد فقهی است که در صورتی که هیچ دلیل شرعی برای وجوب یا استحباب امر به معروف نهی از منکر نبود می توانیم با توسل به این قواعد وجوب یا استحباب امر به معروف نهی از منکر استنباط کنیم در راستای این امر با رجوع به کتب فقهی و بررسی قواعد فقهی مرتبط با امر به معروف نهی از منکر با نگاه به دیدگاه آیت الله اعرافی این نتیجه به دست آمد که می توانیم از قواعدی همچون قاعده لطف، قاعده دفع ضرر محتمل، قاعده وجوب شکر منعم، قاعده احسان بر قواعد نصح المومن در این راستا کمک بگیریم

کلیدواژگان: امر به معروف نهی از منکر، قاعده لطف، قاعده دفع ضرر محتمل، قاعده وجوب شکر منعم

مقدمه

اگر امر به معروف نهی از منکر به درستی انجام گیرد باعث سوق دادن جوامع و انسان‌ها به مسیر الهی و دور شدن آنها از فساد و تباهی می‌شود با اجرای درست امر به معروف نهی از منکر درصد افراد کمتری در جامعه دچار عصیان می‌شوند که این خود باعث می‌شود که دستورات خداوند در آن جامعه به درستی انجام بگیرد دو جامعه در مسیر توحیدی خود گام بردارد. «به عقیده اکثر متکلمان و فقیهان، امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است، زیرا هدف از آن، انجام معروف و از میان رفتن منکر است. اگر این هدف به وسیله عده‌ای تأمین شود، دیگران در این زمینه تکلیفی ندارند.» (الزمشخری، جلد 1، ص 396؛ ایجی، 1325 ق، جلد 8، ص 375). در این مقاله سعی بر آن شده است که اگر ما هیچ ادله خاصی مانند آیات و روایات برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم با استفاده از بعضی قواعد فقهی می‌توانیم وجوب یا استحباب این فریضه الهی را اثبات نماییم. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از کدام قواعد فقهی وجوب و کدام یک از آنها استحباب این فریضه الهی را بیان می‌نماید؟ که در ادامه به بیان این قواعد و نحوه دلالت آنها بر امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه آیت الله اعرافی پرداخته شده است.

1- قاعده لطف

«واژه لطف در لغت در معانی مهربانی و اکرام، قرب و نزدیکی، کوچکی و ریزی، خفا و پنهانی، نرمی و آشکاری به کار رفته است و در علم تجوید تطف به معنی اماله است.» (راغب اصفهانی، 1404 ق، جلد 1، ص 450؛ مجموع مؤلفین، جلد 2، ص 826؛ الفیومی، جلد 2، ص 553)

«لطف در اصطلاح عبارت است از آنچه موجب نزدیک شدن بنده به طاعت و ثواب و بهشت و دور شدن وی از گناه و عذاب می‌شود» (هاشمی شاهرودی، 1383 ه.ش، جلد: 6، ص 443)

«در حقیقت لطف دو نکته نهفته است، یکی انجام کار از روی رفق و آسانی و دیگری ظرافت آن کار، هرگاه کاری واجد این دو خصوصیت باشد لطیف است و پس از آنکه این دو مطلب را از مادی بودن پیراسته نمودیم می‌توانیم فعل الهی را به آن توصیف نماییم.» (طباطبایی، جلد 18، ص 40)

2-1- استدلال این قاعده در وجوب امر به معروف نهی از منکر:

کبرای استدلال این است که لطف بر خدا واجب است آن اعمال تکوینی و تشریعی که مصداق لطف الهی باشد بر خدا واجب است

صغرای استدلال نیز دو مقدمه دارد؛

1. در این که افراد به سمت انجام واجبات ترک محرمات سوق داده شوند. خیر و لطفی وجود دارد امری خیر و مستحسن است

2. سوق دادن مکلفین به سمت خیرات و میراث یعنی انجام واجبات ترک معاصی، توسط شارع نیز لطف الهی است.

پس جعل حکم وجوب بر امر به معروف و نهی از منکر توسط شارع، لطف من الله است؛ بنابراین همان‌طور که تصرفات تکوینی شارع که لطف است واجب است، جعل چنین حکمی نیز واجب می‌شود. مثلاً در اجماع لطفی شارع یک تصرف تکوینی می‌کند یا در ارسال رسل و انزال کتب شارع یک فعل تکوینی را انجام می‌دهد، همین‌طور در مقام تشریع هم کارهایی که لطف است شارع باید انجام دهد و یکی از الطاف الهی هم این است که امر به معروف و نهی از منکر را واجب می‌کند، اگر واجب نکند گویا یک ترک لطفی شده است؛ زیرا بسیاری از مردم دچار معاصی و گناهان می‌شوند، اما اگر شارع امر به معروف و نهی از منکر را واجب کند درصد افرادی که عصیان می‌کنند کاهش می‌یابد. پس برای هدایت بشر و سوق دادن ایشان به سمت انجام تکالیف، وجوب امر به معروف و نهی از منکر خیلی نقش دارد و لطف الهی اقتضا می‌کند که شارع این تکلیف را واجب کند. (اعرافی، 1392)

2- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

«قاعده دفع ضرر محتمل، قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است این قاعده در

مباحث مختلف اصولی، همچون بحث حجیت مطلق و ظن کاربرد دارد در بحث حجیت مطلق ظن گفته شده ظن به حکم شرعی با ظن به ضرر ملازم است و دفع ضرر مظنون از نظر عقل واجب پس عمل به ظن واجب است.» (السید محمد جعفر المروج الجزاری، جلد 4، ص 1)

«در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد شده، همین قاعده است؛ به این بیان که مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به دفع ضرر محتمل است؛ یعنی عقل به لزوم دفع ضرر محتمل حکم می‌کند، و هرگاه در مورد ترک یا انجام کاری، احتمال ضرر اخروی باشد، عقل به احتیاط حکم می‌کند.» (السید ابوالقاسم الخوئی، جلد 2، ص 186)

«منظور از ضرر در قاعده دفع ضرر محتمل، ضرر اخروی است که همان عقوبت محتمل است؛ یعنی عقل حکم می‌کند که دفع ضرر اخروی احتمالی واجب است؛ اما در مورد ضرر دنیوی چه بسا عقل چنین حکمی نداشته باشد.» (فاضل لنکرانی، ص 342-347)

احتمال ضرر بر تارک امر به معروف نهی از منکر:

1-2- احتمال اول: ضرر دنیوی

شخصی که امر به معروف نهی از منکر را ترک کند با ترک امر به معروف نهی از منکر در معرض احتمال ضرر دنیوی است. پس مقصود از ضرر در احتمال اول ضرر دنیوی است و مورد ضرر هم خود تارک امر به معروف و منکر است. این فردی که امر به معروف نهی از منکر را ترک می‌کند، احتمال می‌دهد که ضرر دنیوی متوجه او شود؛ زیرا این کار که او انجام می‌دهد خطراتی ایجاد می‌کند که دامن این شخص را هم می‌گردد این ضرر که دامن شخص تارک امر به معروف نهی منکر را می‌گردد محتمل است. البته زمانی که احتمال ضرر از نوع قتل یا امور عرضی خاص باشد و احتمال عقلی می‌دهد که اگر امر به معروف نهی از منکر را ترک کند ضرر آن نیز دامن این شخص را هم می‌گیرد عقل در اینجا حکم می‌کند که دفع ضرر محتمل واجب است؛ اما ضررهای دیگری که غیر از قتل یا امور مهم وجوب دفع ضرر تمام نیست بخصوص آنجایی که احتمالی است عقل حکم روشنی ندارد. (اعرافی، 1392)

2-2- احتمال دوم: ضرر اخروی

احتمال دوم از ناحیه ضرری است که ترک امر به معروف نهی از منکر بر دین می‌رساند که اگر امر به معروف نهی از منکر در جامعه به درستی اجرا نشود دین در جامعه در مسیر انحرافی قرار می‌گیرد و ضررهای مهمی به دین وارد می‌شود که به شکلی ضرر اخروی هم نتیجه آن است. در این موارد که مطلق ضرر به دین و اینکه چیزی از دین در جایی ترک شود حتی اگر احتمال آن را بدهیم دفع آن حتی در صورت احتمال هم واجب است. (اعرافی، 1392)

3- قاعده وجوب شکر منعم:

«شکر در لغت به معنای شناخت نعمت و سپاس‌گزاری از منعم است.» (فراهیدی، 100-175، جلد 5، ص 292؛ ابن منظور، لسان العرب، جلد 4، ص 423) جوهری «شکر و ثنای الهی را انجام‌دادن اعمال نیک در برابر منعم دانسته است» (جوهری، الصحاح، جلد 2، ص 702) راغب «تصور نعمت در ذهن و اظهار آن در گفتار و کردار است» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب قرآن، جلد 1، ص 265)

«قاعده وجوب شکر منعم، قاعده عقلی است و عبارت است از لزوم سپاس‌گزاری از کسی که به انسان انعام و احسان کرده است و جایگاه اصلی آن در علم کلام است

مفاد قاعده: مقصود از وجوب لزوم عقلی است بدین معنا که عقل قطع نظر از شرع حسن سپاس‌گزاری از منعم را درک می‌کند چنان که ناپسندی و ناسپاسی را نیز درک می‌کند.

از جمله دلیل‌های وجوب تحصیل شناخت خدا، قاعده وجوب شکر منعم است؛ زیرا هر خردمندی می‌داند که نعمت هستی حیات قوای ادراکی از جمله عقل و حواس پنج‌گانه غیر آنها را دیگر به او عطا کرده است که مستحق ستایش و سپاس‌گزاری است و ستایش و سپاس‌گزاری از منعم در گروه شناخت او صفات اوست. تا آن‌گونه که سزاوار است ستایش و سپاس‌گزاری شود؛ از این‌رو عقل به وجوب تحصیل معرفت منعم حکم می‌کند تا با شناخت او از او در برابر نعمت‌هایش سپاس‌گزاری کند» (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، جلد 6، ص 447)

1-3- دلالت وجوب شکر منعم بر امر به معروف نهی از منکر

وجوب شکر منعم در ارتباط با خداوند اقتضای شکر قلبی می‌کند، درجه‌ای از امر قلبی واجب است و لذا ما فکر می‌کنیم این فعل جوانحی مشمول یک وجوب است، اینکه این نعمت‌ها را از خدا ببیند این را واجب می‌دانیم، در فقه‌العقیده چنین فعل‌های جوانحی را واجب می‌دانیم، منتها عقل هم می‌گوید واجب است که شرع نیز به دنبال آن می‌گوید واجب است. دنبال فقه‌العقیده و فقه‌الصفات هستیم که هر دو ناظر به فقه جوانحی است؛ ولی واقعاً احکام است و وجوب است، هم در صفات، هم در باورها و تصورات و تصدیقات؛ به‌هر حال مرتبه درونی و جوانحی شکر که هسته اصلی در آنجا است و بسیار مهم است، آن واجب است. در مقام ثنا و ابراز و... حداقلی از عبادت ابرازی و اظهار با وجوب شکر منعم با قطع نظر از ادله شرعی ثابت می‌شود و اطاعت مولی هم در موارد الزامات احراز شده، واجب است.

اما آیا پاسداشت این اراده مولا و صیانت حریم او در رفتار دیگران از طریق امر به معروف نهی از منکر نیز مشمول وجوب می‌شود یا خیر؟

به نظر می رسد قاعده وجوب عقلی شکر منعم بر وجوب امر به معروف نهی از منکر دلالت نمی کند؛ بلکه فقط بر حسن آن دلالت می کند و عقل امر به معروف نهی از منکر که به رعایت ارزش های الهی توسط دیگران می انجامد را از مصادیق قاعده وجوب شکر منعم نمی داند. البته اگر کشف شود اراده مولا در مواردی مانند دماء و فروج بر آن است که این موارد به هر طریقی حفظ شوند پاسداشت این اراده مولا در افعال دیگران به وسیله امر به معروف نهی از منکر از مصادیق قاعده وجوب شکر منعم خواهد بود. در این موارد مراتب قلبی و لسانی واجب می شود و وجوب مراتب بالاتر به قوت اراده وابستگی دارد (اعرافی، 1392)

4- قاعده احسان و برّ

احسان مصدر باب افعال از ریشه حُسْن است. حُسْن (مصدر و اسم مصدر) در مقابل سُوء و سوء (بدی و بدشدن) به کار رفته است. (ابن فارس، 1399 ه. ق، جلد 2، ص 57؛ مصطفوی، 1368 ه. ش، جلد 2، ص 221) و متناسب با موارد کاربرد در معنای اسم مصدری آن، مفهوم زیبایی، خوبی، نیکی، شایستگی، مورد پسند و... را می رساند (زبیدی، 1414 ه. ق، جلد 18، ص 3)

«احسان به معنی منفعت رساندن به غیر است؛ بدین منظور که از آن منتفع شود، مشروط بر آنکه از هر گونه قبحی مبرا باشد.» (شیخ طوسی، قرن 5 ه. ق، جلد 5، ص 279)

«برّ به معانی مختلفی از جمله کار خیر و صلاح، احسان و نیکی، صدق، پیوند، صلح رحم، طاعت، عبادت، حج، تقرب، تقوا، لطف، ترحم آمده و متضمن مفهوم گستردگی است.» (الطریحی النجفی، 1079 ه. ق، جلد 1، ص 183؛ ابن منظور، 1414 ه. ق، جلد 4، ص 51؛ راغب اصفهانی، 1412 ه. ق، جلد 1، ص 40)

1-4- ارتباط قاعده با غیر معروف نهی از منکر

منظور از «احسان» در این قاعده غیر از قاعده «احسان» در قواعد فقهی که بیان می کند «هرگاه کسی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگران، موجب ورود خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت آور نیست» (محقق داماد، 1381 ه. ش، جلد 1، ص 295) است. آنچه مورد نظر است بحث از قاعده «احسان و برّ» می باشد؛ مراد از آن این است که خوب است انسان به دیگران نیکی کند یا نفعی به دیگران برساند و لذا بهتر است بگوییم قاعده «احسان و برّ».

قاعده «احسان و برّ» می تواند «امر به معروف و نهی از منکر» را نیز در بر گیرد؛ زیرا «امر به معروف و نهی از منکر» وسیله ای است که انجام دهنده آن، فرد را مورد احسان معنوی و روحی قرار می دهد؛ به بیان دیگر در حالی که فرد در حال پیمودن مسیر خطا است، بازداشتن او از خطا و سوق دادن او به سمت اطاعت، نیکی به او است؛ در این صورت می توان گفت پاسخ به نیاز معنوی و بازداشتن فرد از انحراف به گناه، مصداقی از احسان است؛ اگر

چنین چیزی در اطلاعات وجود داشت در این صورت باید بگوییم احسان می‌تواند استحباب «امر به معروف و نهی از منکر» را افاده کند؛ چون علی‌القاعده حکم احسان استحباب است، بخصوص در مواردی که هدایت شخص یا تعالی شخص و ترقی او متوقف بر «امر به معروف و نهی از منکر» باشد، در این صورت «امر به معروف و نهی از منکر» مصداقی برای احسان خواهد بود قاعده «احسان» افاده وجوب نمی‌کند و دلیلی بر وجوب احسان نداریم؛ بلکه احسان مستحب مؤکد است. (اعراف، 1392)

5- قاعده نصح المؤمن:

«النصح: کلمه‌ای است که همه افعال و گفته‌های خیر را در بر می‌گیرد. حقیقت آن، خیرخواهی و راهنمایی به سوی خیر است. نقیض آن، غش است» (ابن مسعود، قرن اول، جلد 3، ص 204)

«حقیقت نصح، فرستادن به سوی مصلحت همراه با خلوص نیت از شوائب مکر است.» (آصفی، 1385 ه. ش، ص 348)

1-5- ارتباط قاعده با امر معروف نهی از منکر:

یکی از موارد «خیرخواهی نسبت به مؤمن» در امور معنوی است دلالت این قاعده از دلالت قاعده «احسان و برّ» واضح‌تر است. قاعده نصح المؤمن نیز مفید استحباب است البته برخی از موارد نصح مؤمن مانند قاعده احسان است و اگر فرد مورد نصح قرار نگیرد، ممکن است در هلاکتی بیفتد، شاید بتوان از روایت «نصح المؤمن» در این موارد وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» را استفاده کرد. در این صورت «امر به معروف و نهی از منکر معروف و نهی از منکر» بهترین مصداق خیرخواهی است. (اعراف، 1392)

نتیجه‌گیری:

الف: بنا بر قاعده لطف واجب کردن امر به معروف نهی از منکر لطف خدا است؛ زیرا اگر خداوند آن را واجب نمی‌کرد افراد بسیاری دچار عصیان و گناه می‌شدند؛ ولی با واجب کردن آن درصد این افراد کاهش می‌یابد پس برای هدایت بشر انجام تکالیف الهی وجوب امر به معروف نهی از منکر لازم است لطف الهی اقتضا می‌کند که شارع این تکلیف را واجب نماید

ب:طبق قاعده دفع ضرر محتمل دفع خطر احتمالی واجب است. شخصی که امر به معروف نهی از منکر را ترک نماید دچار ضرر دنیوی اخروی می‌گردد که اگر ضرر دنیوی از نوع قتل یا امور عرضی باشد فرد احتمال بدهد در صورت ترک امر به معروف نهی از منکر ضرر آن متوجه او می‌شود در این صورت دفع ضرر واجب است؛ ولی اگر امور دیگر باشد دفع آن واجب نمی‌باشد درباره ضرر اخروی هم که اگر ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث انحراف جامعه از مسیر الهی و ضرر به دین شود در این صورت حتی اگر احتمال هم بدهد دفع ضرر محتمل واجب است

پ: بنا بر قاعده وجوب شکر منعم سپاسگزاری از کسی که به انسان نعمت داده واجب است؛ ولی این قاعده بر وجوب امر به معروف نهی از منکر دلالت نمی‌کند؛ بلکه فقط بر حسن آن دلالت می‌کند و عقل امر به معروف نهی از منکر را که به رعایت ارزش‌های الهی توسط دیگران می‌انجامد را مصادیق وجوب شکر منعم نمی‌داند

ت: بنا بر قاعده احسان و برّ خوب است انسان به دیگران خوبی کند گویا نفعی به دیگران برساند و شخص با انجام امر به معروف نهی از منکر افراد را مورد احسان روحی و معنوی قرار می‌دهد از آنجایی که حکم خود احسان کردن مستحب است قاعده احسان برّ دلالت بر وجوب امر به معروف نهی از منکر نمی‌کند و فقط استحباب آن را بیان می‌کند.

ج:قاعده نصح مؤمن خیر خواهی و فرستادن انسان به سوی خیر را بیان می‌کند طبق این قاعده امر به معروف نهی از منکر دلالت بر استحباب دارد؛ ولی در صورتی که شخص مورد نصیحت قرار نگیرد در هلاکت بیفتد در این صورت دلالت بر وجوب دارد.

منابع:

1_ آصفی، محمد مهدی، (قرن 15)، مبانی نظری حکومت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی معاونت فرهنگی

2_ ابن فارس، ابو الحسین، (1399 هـ)، معجم المقاییس اللغة، جلد 2، دارالفکر

3_ ابن مسعود، عبدالله، (32ق)، تفسیر ابن مسعود

4_ ابن منظور (محمد بن مکرم بن علی)، لسان العرب، (1414 هـ) جلد 4، بیروت، دار صادر

5_ اعرافی، علیرضا، (1392)، دروس خارج، <https://arafi.ir/>

6_ ایجی، میر سید شریف (1325ق)، شرح المواقف، م، الشریف رضی

- 7_ جزایری، سید محمد بن جعفر، (1427ق)، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، جلد 4، قم، فقاہت
- 8_ جوہری، اسماعیل بن حداد (1404ق)، الصحاح، جلد 2، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چہارم
- 9_ خویی، ابوالقاسم، (1368)، اجودالتقریرات، قم، کتاب فروشی مصطفوی، چاپ دوم
- 10_ راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (1404ق)، المفردات فی غریب القرآن، جلد 1، بیروت، دارالشامیہ، چاپ دوم
- 11_ زمخشری، جارالله، الکشاف عن الحقایق غوامض التنزیل، جلد 1
- 12_ زبیدی، مرتضی، (1414ق)، تاج از عروس من جواهرالقاموس، جلد 18، دارالفکر، چاپ اول
- 13_ طریحی النجفی، فخرالدین، (1079ق)، مجمع البحرین، جلد 1، مرتضوی
- 14_ طوسی، محمد بن حسن (قرن 5)، التبیان فی التفسیر القرآن، جلد 5، بیروت، احیاء التراث العربی
- 15_ فراهیدی، خلیل بن احمد، (100-175ه.ق)، کتاب العین، جلد 5، قم، موسسه دارالہجرۃ
- 16_ فیومی، ابوالعباس، المصباح المنیر فی غریب الشرح کبیر، مکتبۃ العلمیہ
- 17_ محقق داماد، مصطفی، (1381ه.ش)، قواعد فقہ، جلد 1، تهران، سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی
- 18_ مصطفوی، حسن، (1368ش)، التحقیق فی الکلمات القرآن کریم، جلد 2، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- 19_ ہاشمی شاهرودی، محمود، (1382ق)، فرهنگ فقہ مطابق بر مذهب اہل بیت (ع)، جلد 6، قم - تهران، مؤسسہ دایرۃ معارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت (ع)